

کفولوگتیکیری

بقلم آقای حسین واعظ زاده

۴- پایان

اشتباه در ترجمه کلمات ابن عربینا

در مقاله آقای دکتر صفا مواردی هم غلط ترجمه شده که در نتیجه مطلب منشوش و غیر مفهوم میباشد و آن ها شرح ذیراست :

۱- در آغاز مقدمه منطق المشرقیین سطر دوم آمده : «ولانبالی من مفارقة تظهر منالما لفه متعلمو کتب الیونانین الفأعن غفلة وقلة فهم- ولما سمع منافی کتب الفناها للعامیین من المتفلسفة المشغوفین بالمشائین، الخ» .

ترجمه تحت اللفظی عبارات فوق این است که : «در جمع آوری مطالب و مباحث مورد اختلاف فلاسفه اهل بحث و تحقیق که هم خود را مصروف بیان آن نموده ایم بهیچوجه مورد اعتنا و اهمیت قرار نمیدهیم که بیان فعلی مافرق و اختلاف داشته باشد بنا آنچه متعلمین کتب یونانی از روی غفلت و کمی فهم با آن انس و الفت گرفته اند و همچنین مورد اعتنا و اهمیت قرار نمیدهیم که اظهار عقیده فعلی ما فرق و اختلاف داشته باشد با آنچه از ما شنیده شده در کتابهایی که سابقاً تألیف کرده ایم برای مردمان عامی کم فهم و بی اطلاع مدعی فلسفه که تعلق خاطر و علاقه قلبی بمشائین دارند و گمان می کنند خداوند هدایت نکرده مگر مشائین را و رحمت خود را شامل نخواهد کرد مگر با آنها .»

عبارت واضحتر جمله «ولما سمع» بوسیله «واوعطف بجملة «لما لفه» عطف شده و مثل این است که بگوئیم : «ولانبالی من مفارقة تظهر منالما سمع منافی کتب الفناها للعامیین، الخ» .

در حالیکه آقای دکتر صفا عبارت فوق را چنین ترجمه کرده اند : «یا این سخنان را از نشنیده اند با ما از در عناد و خلاف بر آیند» - و پر واضح است که این ترجمه نه طبق سیاق عبارت عربی شیخ رئیس است و نه با مقصود واقعی گوینده تناسب دارد . منشاء این اشتباه این بوده که جمله «ولما سمع» را که «واو آن حرف عطف و «ل» حرف جر و «ما» موصول و «سمع» فعل ماضی مجهول صله آن است «ل» را مفتوح و «ما» را نافی تشخیص داده اند .

۳- عبارت عربی : «فقد بلینا برفقة منهم عاری الفهم کما نهم خشب مسندة» چنین ترجمه شده : «و ما نا گزیر بودیم با آنان که چون چوبهای بی عقلند در این امر مدارا کنیم .» اینجا نیز اشتباه مؤثری شده که اساس مقصود ازین رفته است . بجهت اینکه : اولاً بواسطه حذف و ساقط شدن جمله «فقد بلینا برفقة منهم عاری الفهم» در ترجمه ، خواننده در پیدا کردن مرجع ضمیر «آنان» از عبارت : «ما نا گزیر بودیم با آنان» بزرحت می افتد و معلوم نیست آنان کی ها بودند که شیخ رئیس نا گزیر شده با آنها مدارا کند . ثانیاً عنوانی از نا گزیری و مدارا کردن در متن عربی نیست . ثالثاً «کانهم خشب مسندة» که اقتباس از آیه شریفه قرآن در سوره منافقین است و معنی آن چوبهای کلفت یا تیرهای چوب خشکی میباشد که سر بالا بدیوار تکیه داده باشند بجملة «چون چوبهای بی عقل» ترجمه شده و اشتباه بودن آن مسلم است . بجهت

اینکه خداوند در سوره منافقین در شرح عبدالله ابن ابی منافق و یاران و دوستانش میفرماید: و اذا رأيتهم تعجبك اجسامهم و ان يقولوا تسمع لقولهم كأنهم خشب مسندة. شیخ الرئیس با اقتباس ازین آیه شریفه مدعیان فلسفه زمان خودش را که از ادراک دقایق امور و حقیقت قضایای عقلی عاری بوده اند بچوب خشکی که بدیوار گذاشته شده باشد تشبیه نموده است. صرف نظر از اشتباه بودن ترجمه آوردن عبارت «چوبهای بی عقل» از نویسنده دانشمند فوق العاده مستبعد بنظر میرسد، زیرا وقتی میتوان صفتی را از موجودی سلب و نفی کرد که آن موجود قابل انصاف و تلبس بآن باشد.

۳- در همان صفحه مقدمه المشرقین چهار سطر با آخر مانده آمده است «لو وجدنا منهم رشیداً ثبتناه بما حققناه فكنا ننفعم به و ربما نسنى لهم الايقال فسنى معناه فعوضونا عن منفعة استبدوا بالتنقیر عنها.» یعنی «اگر پیدا می کردیم میان این اشخاص کسی را که رشد عقلی پیدا کرده و دقت فکر را بجائی برساند که اگر موضوع عقلی دقیقی را باو تعلیم بدهند فهمیده و از ادراک حقیقت آن عاجز نباشد البته آنچه را بنظر ما حقیقت آمده و از روی تحقق ادراک کرده بودیم باو فهمانده و در مقام اظهار واقع و حقیقت مطلب با او برمی آمدیم و از این باب باو سود و انتفاع عقلی می رساندیم. بسا بود کسی که بر اثر پیدا کردن رشد عقلی و فهم کامل بر اثر تعلیم ما حقیقت امر را فهمیده و از این حیث از ما منتفع شده بود بنظرش می آمد تعمق و دقت بیشتری در قضیه نموده و بر اثر تعمق کامل حقیقتی کشف کند و در عوض انتفاع و سودی که از ما برده ما را منتفع و سودمند نماید بحقیقتی که خودش با استقلال و انفراد و بر اثر بحث و تحقیق از آن کشف نموده است.»

این بود ترجمه صحیح عبارت بالا و چون در نرس منقول بالا بدست دکتر بدوی که آن را نقل کرده بعنوان تصحیح تغییراتی داده شده که آقای دکتر صفار تحت تأثیر قرار داده و موجب آن شده که نتوانند آن را صحیح ترجمه کنند. از این جهت گمان نمی کنم ذکر مقدمه ذیل بی نتیجه باشد. وقتی شخصی آیه شریفه: «شغلتنا اموالنا و اهلونا» را میخواند فکر می کند معنی «شغلنا» غلط گفتن است و چون قرآن مجید میزه می باشد بفکر خودش «شغلنا» را «شدرسنا» می کند.

نسبت بعبارت بالا هم همین داستان پیش آمد نموده است. در مجموعه «التراث اليونانی فی الحضارة الاسلامیة» تألیف دکتر عبدالرحمن بدوی در ترجمه مقاله الفوانسو نلینو مستشرق ایتالیائی تحت عنوان «محاولة المسلمین فی ایجاد فلسفة شرقیة» صفحه ۲۸۱ که عین مقدمه منطق المشرقین شیخ الرئیس را نقل کرده جمله «فعوضونا عن منفعة استبدوا بالتنقیر عنها» بجملة ذیل تبدیل شده، «فعوضنا عن منفعة استبدوا بالتنقیر عنها»، با این توضیح که کلمه «عوضونا» که جمع مغایب مذکر فعل ماضی تعویض و ضمیر «نا» متکلم مع الفیر مغفوش بوده تبدیل به «عوضنا» صیغه متکلم مع الفیر همان فعل شده و تنقیر که بمعنی بحث و تحقیق و کاوش است تبدیل به (تنقیر) شده که بمعنی مشغول کردن است.

در حاشیه همان صفحه میتوان توضیح نوشته شده «فی الاصل المطبوع - التنقیر عنها و واضح ان صحته ما اوردناه». چیزی که بر ما مجهول مانده این است که این عمل (شدرسنا) از

طرف نلینو نویسنده اصلی مقاله بوده یا از سوی دکتر عبدالرحمن بدوی مترجم آن . آنچه مسلم و غیر قابل تردید میباشد این است که این مقدمه را خیلی از محققین بمناسبتی نقل کرده‌اند و هیچکدام این تصحیح را بکار نبرده‌اند . استاد سلیمان نیادر مقدمه «رسالة اصخوبه» شیخ الرئیس که تازه طبع و منتشر شده عین مقدمه را چاپ کرده و از میان آن فقط «علی ظله واقفون» را بنظرش بی‌معنی آمده به «علی خطله واقفون» تبدیل نموده که معنی آن با سیاق عبارت درست می‌آید .

بهر جهت آقای دکتر صفا تحت تأثیر این تصحیح و جمع شده و جمله بالا را بشرح ذیل بفارسی ترجمه نموده‌اند : «اگر ما کسی را از آنان می‌یافتیم که راه رشاد بییماید حقایق را که دریافتیم برای او روشن می‌کردیم . اما چون این قوم را در فهم معنی سخنان خود بر راه نیافتیم - منفعتی را که در اظهار نفرت از آن استمداد می‌کردند تعویض کردیم و بجای آن مسائل دیگر را بیان داشتیم .»

صرف نظر از تصحیح بدون مورد دکتر بدوی یا مستشرق ابطالیائی که نمی‌بایست آقای دکتر صفا را تحت تأثیر قرار دهد بشرح دلائل معروضه ذیل عبارت فارسی فاقد معنی و مفهوم بوده و بهیچوجه نمیتوان آن را ترجمه فارسی عبارت مزبور بشمار آورد . اولاً - در متن عربی مندرج در کتاب «التراث الیونانی» هم بسوای تبدیل «عوضونا» به «عوضنا» و «تنقیر» به «تنفیر» تغییر دیگری مشهود نیست و عین عبارت مندرجه در صفحه ۳ منطق المشرقین را نقل نموده و هیچ عبارت یا جمله‌ای که بر مفهوم «اما چون این قوم را در فهم سخنان خود بر راه نیافتیم» دلالت داشته باشد مشاهده نمی‌گردد. ثانیاً جمله «منفعتی را که در اظهار نفرت از آن استمداد می‌کردند» بکلی فاقد معنی است و گمان نمی‌کنم خود آقای دکتر صفا هم بتوانند برای این جمله مفهومی پیدا کنند . در صورتیکه در متن عربی مقدمه منطق المشرقین و هم چنین در کتاب «التراث الیونانی» (استیدوا) نوشته شده معلوم نیست بچه مناسبت «استمداد» در ترجمه فارسی ذکر کرده‌اند. ثالثاً در متن کلام شیخ الرئیس جمله‌ای که معادل «بجای آن مسائل دیگر بیان داشتیم» بشمار رود با ملاحظه نمی‌شود .

در ذیل صفحه ۳ از متن عربی آمده است : «ومن حمله ماضنا باعلانه عا برین علیه حق مفعول عنه یشار الیه فلا یلقى الا با التعصب فلذلك حرینا فی کثیر مما نحن خبراً بیجدنه مجری المساعدة دون المحاقه - ولو کان ما انکشف لنا اول ما انصبینا الی هذا الشأن لم یند فیہ مراجعات منا لانفسنا و معاودات من نظرنا - لما تبینا فیہ رأیا و لا خلط علینا الی رای و سری عقائدنا الشک و قلنا لعل و عسی .»

آقای دکتر صفا در ترجمه دو سطر اول عبارت منقوله فوق که به جمله «دون المحاقه» منتهی میشود جمله آخر را که در موضوع تأثیر کلی داشته حذف و اسقاط کرده‌اند و عجب اینست که مرحوم دکتر قاسم غنی هم در ترجمه جمله مزبور یعنی «دون المحاقه» اشتباه کرده و محاقه را که مصدر باب مفاعله و بمعنی مرافقه و مخاصمه آمده به «تصریح» ترجمه کرده‌اند، باین عبارت : «بدین جهت در بسیاری از آنچه ما خبره آن هستیم همه وقت بر طریق مساعدت

رفته و از تصریح بر کنار بوده ایم. آقای دکتر صفا قسمت مورد ترجمه دکتر غنی را بشرح زیر ترجمه کرده اند: «از این روی در بسیاری از مسائل که خبر و بت کامل در آن داشتیم از راه مساعدت وارد شدیم بدون اینکه در مقام مخاصمه بر آمده و ادعا کنیم که در این مسئله حق بطرف ما میباشد.»

در مورد سطر سوم بیعد یعنی از جمله «ولو کان ما انکشف لنا» هم مرحوم دکتر غنی و هم آقای دکتر صفا هر دو اشتباه ترجمه کرده اند و در هر دو ترجمه منظور نویسنده اصلی از بین رفته است و این دو ترجمه بایکدیگر مابینت کامل دارد.

ترجمه صحیح اینست: «اگر مطلبی که اول ورود بیعت در این قبیل مسائل بر ما کشف شد با مراجعه بنفس خود تحلیل و تجزیه عقلی نکرده و مورد دقت نظر و بحث و مطالعه قرار نمیدادیم، در مورد آن بهیچوجه قادر باظهار عقیده نبودیم و حقیقت امر بامشبهه شده و شک و تردید در عقاید ما سرایت کرده ناچار بودیم بگوئیم شاید چنان باشد، امید است چنین باشد.»

اما ترجمه آقای دکتر صفا: «و اگر در مطلبی که نخستین بار بر آن آگهی یافته بودیم بعد از مراجعه برای خود و انتقاد در آن شکی حاصل میکردیم آنرا بطریق تردید اظهار داشتیم.» و اینست ترجمه مرحوم دکتر غنی: «اگر آنچه برای ما مکشوف شده است در اول اشتغال ما باین کار میبود این همه مراجعات بخود و تجدید نظر ازومی نداشته و رای بر ما مختلط نمیشد و در عقاید ما شک و تردید راه میافت و شاید بلکه می گفتیم ... (نقل از صفحه ۸۷ رساله ابن سینا)

پایان

رساله جامع علوم انسانی
شراب زرد

الا بمن ده آن دا روی روان نژند
چو جان عاشق سوزان چو چو روی حاسد زرد
رمانه دیده فراوان و دیر مانده به بند
ز مهر بخته و نابافته زدود گزند

منجیک ترمذی

زلف

می بینی آندوزلف که بادش همی برد
بانه که دست حاجب سالار لشکر است
گوئیکه عاشقی است که هیچش قرار نیست
کز دور مینماید کامروز بار نیست

خبازی نیشابوری